

یادداشت

در ستایش شمس یا تاملاتی در بازی شهاب حسینی

مسیح باز مصلوب

سعیداصغرزاده

«گفتند: ما را تفسیر قرآن بساز. گفتم: تفسیر من چنان است که می‌دانید. نی از محمد! و نی از خدا! این «من» نیز منکر می‌شود مرا. می‌گویمش: چون منکرِی، رها کن، برو. ما را چه صداع (دردسر) می‌دهی؟ می‌گوید: نی. نزوم! سخن من فهم نمی‌کند. چنان‌که آن خطاط سه گونه خط نوشتی: یکی او خواندی، لا غیر… یکی را هم او خواندی هم غیر او… یکی نه او خواندی نه غیر او. آن خط سوم منم که سخن گویم. نه من دانم، نه غیر من» - شمس‌تیریزی.

آنچه «مست عشق» را دیدنی می‌کند، نه آن خرده‌روایت‌هایی است که به جای داستان اصلی فیلم نشسته و نه بازیگران ترکیه‌ای‌اش که پول قیافه‌شان را می‌گیرند و نه خود حضرت مولانای بدلی‌اش که آدم می‌ماند طبق چه سنجهای انتخاب شده است!

«مست عشق» را شمس می‌چرخاند و محورش شمس است و چه بسا که نقطه ضعفش؛ چراکه اگر نقش شمس را شهاب حسینی خلق نمی‌کرد، بازیگران در یک سطح می‌ماندند و کسی متوجه نقصان و کم‌کاری‌شان نمی‌شد.

شمس، زولیده‌ای که هنجارشکن است و عاشق و ملامت‌گر. شمسی که هم بازیگوش است و هم نفوذ کلام دارد و هم جذبه‌ای روحانی. او همان شمس ماست. آن کسی که در بودش حرارت زندگی را در رویارویی با مولانا و دخترش می‌بینی و در نبودش، پرسشگر چرایی فقدانش می‌شوی.

واقعیت این است که شهاب حسینی، دست‌اندرکاران فیلم را بازی داده است. او در بازی خود با شوگرد بازیگری تمام اجزای بدنش، جهانی را به تمسخر می‌گیرد. جهانی که قصه «مست عشق» نیز جزئی از آن است و برای مهار شمس ایزاری ندارد. فیلم‌نامه کم می‌آورد و شهاب در قاب نمی‌گنجد. او می‌تازد، رها شده است و تو گویی مست است؛ مست عشقی که می‌داند مست عشق نیست و بااین‌همه عرصه‌ای است برای سماع جسم و جانش. شویدگی او بیننده را رها نمی‌کند. همه اینها را مگر کسی جز شهاب حسینی می‌توانست درآمیزد و تفکیک کند و به تصویر بکشد. حضور و غیاب شمس نه در فیلم‌نامه است که جان می‌گیرد، بلکه در روحی است که تجسد می‌یابد. جسم او به شبیحی می‌ماند که ساری و جاری است (هیچ آفریده‌ای را بر حال شمس اطلاعی نبوده چون شهرت خود را پنهان می‌داشت و خویش را در پرده اسرار فرو می‌پایچید). تمهید شهاب در «مست عشق»، خلق آبرانسان است. مرز بین انسان و خدا و این تعبیر خاص او از زندگی عارفانه است. شاید نام این کار را بتوان گریز هنری گذاشت. مشتقی روحانی که در زندگی نمایان نیست اما کل زندگی است. شمس را این‌گونه شناساندن تا جایی که دیالوگ‌های فیلم‌نامه به گرد بازی بازیگر نمی‌رسند، یک فضای جدید است؛ فضایی که نشان می‌دهد دنیا روی دست بازیگر می‌چرخد. ابزار عینیت‌بخشی فرا زمانی و مکانی در داستان شهاب حسینی است، بازی او یک بیانه است؛ انگار بخواهی مسیح باز مصلوب کلازانتراکسیس را تصور کنی که در تصویر کنی. انگار حلقه صاعقی پیدا کرده‌ای که بدانی‌اش و بفهمی‌اش. اینها چه‌بسا از اسرار مگوی بازیگری حسینی باشد. نشان‌دادن گوهر ناب بازی درونی. عشق در درون شهاب می‌جوشد و نمود بیرونی ندارد و بااین‌همه تو تماشاگر می‌بینی‌اش. آن‌قدر که جوشش درونی خود را درمی‌یابی… و تازه می‌فهمی که چرا باید عاشق شمس شد و چرا شمس باید برود…

خواهم این بار آن جهان رفتن/ که نداند کسی کجاچیم من همه کردند در طلب عاجز/ ندهد کس نشان ز من هرگز سال‌ها بگذرد چنین بسیار/ کس نیابد ز گرد من آثار او بازی را به تمسخر نشسته است. شمس بدلی را برنمی‌تابد و قرائت خودش را به منصف ظهور می‌کشاند. شمسی که مست عشق برای او حقیر است. بازی او عین خلصه است، متدی جدید در بازیگری…

نگاه

افعی تهران

مرثیه‌ای برای زخم‌های کهنه

احمدافروز

منتقدسینما

افعی تهران، سریالی به کارگردانی سامان مقدم و نویسندگی پیمان معادی تا اینجا کار آثری تحسین‌برانگیز بود که به جرئت می‌توان گفت با بازی درخشان پیمان معادی یکی از کم‌نقص‌ترین تولیدات شبکه یکم‌شدنی خانگی است. شاید مهم‌ترین وجه تمایز این سریال را باید در بازی نیک‌دست و روان پیمان معادی دید که آنچنان مخاطب را شگفته می‌کند که شاید دیگر سناریو و روند داستان برای او مهم نباشد. البته فارغ از پیمان معادی، سایر بازیگران نیز بسیار خوش درخشیده‌اند. البته تأکید بر قوت بازیگری به معنای بی‌اهمیت‌بودن سایرین نکات نیست؛ پیگیره‌بندی داستان اصلی تشکیل‌شده از چند خرده‌داستان که هرکدام به خوبی روایت را پیش می‌برند، شخصیت‌پردازی‌ها، تصویربرداری خوب سریال که از دیگر نقاط قوت این اثر است، رعایت استانداردهای فنی و کارگردانی، استفاده مناسب از موسیقی و تدوین آن با تصاویری از محیط‌های پرتنش شهر که خود یک خرده‌داستان بصری است، همه و همه از نکات بارز این سریال است.

افعی تهران مرثیه‌ای برای زخم‌های کهنه است؛ اثری که بی‌برده سرآغ مشکلات اجتماعی رفته و موشکافانه به ریشه‌های این مشکلات می‌پردازد. گاه با تلنگرهای مفهومی، مخاطب را چون افعی نیش می‌زند مانند سکانس برخورد آرمان یبانی (که کوله‌باری از مشکلات درونش دارد) که در دوش می‌کشد) با ناظم دوران کودکی‌اش و گاه مسیر داستان را در بنیای عاشقانه او با ترائیشتش با بازی خوب سحر دولت‌شاهی می‌برد.

افعی تهران در کنار یک اثر هنری ارزشمند، با طرح روایت‌هایی مختلف از شکست‌های افراد در زندگی‌شان، آسیب‌های شخصیتی که در دوران کودکی وارد می‌شود و بیماری‌های مختلف رفتاری شهروندان، مسئولیت اجتماعی خود را در قبال جامعه نیز به خوبی نشان می‌دهد. بدون شک تولید آثاری این‌چنین که به تاریک‌خانه‌های روحی و رفتاری جامعه وارد می‌شود و به مسائل ابتدایی زندگی افراد مانند امنیت و داشتن احساس امنیت، اهمیت گفت‌وگو و داشتن هم‌صحبت خوب، مسائل تربیتی و… می‌پردازد، باید بیش از پیش در اولویت فیلم‌سازان و سیاست‌گذاران حوزه نمایش قرار بگیرد. البته نباید از این نکته غافل شویم که تجربه نشان داده است بسیاری از آثار تولیدی در سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی علی‌رغم شروع خوب و داشتن داستان جذاب، به رانه راه با افت شدید مواجه شده‌اند، به‌طوری که هیچ نشانی از آن شروع خوب در پایان کار وجود نداشته است. امیدواریم سازندگان افعی تهران این کار حرفه‌ای را به برترگانه سقوط نبرند تا شاهد یک الگوی خوب در صنعت سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی باشیم.



بهناز شیرینبانی

نگاهی به فعالیت شبکه نمایش خانگی به بهانه اظهار نظر اخیر وزیر ارشاد

اختلاف پایان‌ناپذیر مدعیان نظارت

سعداصغرزاده

«گفتند: ما را تفسیر قرآن بساز. گفتم: تفسیر من چنان است که می‌شود، نی از محمد! و نی از خدا! این «من» نیز منکر می‌شود مرا. می‌گویمش: چون منکرِی، رها کن، برو. ما را چه صداع (دردسر) می‌دهی؟ می‌گوید: نی. نزوم! سخن من فهم نمی‌کند. چنان‌که آن خطاط سه گونه خط نوشتی: یکی او خواندی، لا غیر… یکی را هم او خواندی هم غیر او… یکی نه او خواندی نه غیر او. آن خط سوم منم که سخن گویم. نه من دانم، نه غیر من» - شمس‌تیریزی.

آنچه قانون بر عهده‌وزارت ارشاد گذاشته تمام و کمال انجام می‌شود، حتی یک بار خودم فیلمی را که مورد انتقاد بود، دیدم و به همکارانم در شورای نظارت گفتم چرا مجوز صادر کرده‌اند. بارها در جلسات دولت و شورای بالادستی گفته‌ام تکلیف بسترهای نمایش فیلم و سریال مشخص شود. در وزارت ارشاد هم آمادگی کامل داریم تا کار نظارت را انجام دهیم». این جملات بخشی از صحبت‌های اخیر محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه تلویزیونی «جهان‌آرا» است. موضوع نظارت بر شبکه نمایش خانگی سال‌هاست که محل اختلاف ارگان‌های دولتی است. هرزگانه‌ی اظهارنظرهایی شبیه به اینکه چه ارگانی شایسته نظارت بهتر بر عملکرد شبکه نمایش خانگی است، موحی از واکنش‌ها را دربر می‌دارد. طبیعی است که همچون سال‌های گذشته هنرمندان و فعالان عرصه شبکه نمایش خانگی عمدتاً نظارت ارشاد بر آثارشان را ترجیح می‌دهند. اما این اختلاف چندین و چند ساله میان وزارت ارشاد و تلویزیون نشان می‌دهد موضوع به این راحتی حل‌شدنی نیست و این اختلاف نظر همچنان ادامه دارد. کیسوان کثیریان، منتقد و سینمایی‌نویس، معتقد است وزارت ارشاد توان نظارت بر تولیدات پلتفرم‌ها را ندارد. او در این مورد به «شرق» گفت: «به نظر می‌رسد وزیر ارشاد در جریان توان مجموعه تحت مدیریتش نیست. دوستان در ارشاد سالی صد فیلم را ممکن است بازبینی کنند، درحالی‌که در پلتفرم‌ها روزی ۶۰،۵۰ فیلم آپلود می‌شود». او ادامه داد: «اساساً با هر سانسوری مخالفم، اما نظارت پس‌بینی پذیرفتنی‌تر است. به نظرم توان فعلی وزارت ارشاد در بخش سینمایی در این اندازه‌ها نیست. مگر اینکه مثل حوزه کتاب یک‌سری نیرو از صبح تا شب فیلم‌ها را ببینند و سانسور کنند».

اختلاف از کجا آغاز شد؟

سال ۹۸ بود که ماجرای وی‌اودی‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تولید محتوا در خارج از صداوسیما، به یکی از سوزنده‌های بحث‌برانگیز در رسانه‌ها تبدیل شد. در همان زمان سعیدعلی اکبر محمودی‌مهریزی، مدیرکل تأمین و تولید تلویزیون تعاملی معاونت فضای مجازی صداوسیما در گفت‌وگو با «مه‌ر» به‌صورت رسمی تأیید کرد که مجوز محتوای پخش‌شده از وی‌اودی‌ها هم به صداوسیما رسیده است و در این گفت‌وگو از سازوکار چگونگی دریافت مجوزها و محتوای وی‌اودی‌ها از این اداره کل سخن گفت.

مهریزی در بخشی از صحبت‌هایش تأکید کرد: «در این چند سال مهم‌ترین مأموریتی که برای صداوسیما در فضای مجازی مطرح شده، متولی‌شدن برای تولید و انتشار محتوای صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی است و همه این گفت‌وگوها ذیل این مأموریت صورت می‌گیرد. محتوایی که برای سررویس‌های وی‌اودی تهیه می‌شود، باید «پیش از تولید» مجوز بگیرد و خود سرویس‌های وی‌اودی طبق مقرراتی که پیش از این بود، به فعالیت خود ادامه خواهند داد. در فضای مجازی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی از طریق سازمان تنظیم مقررات سازمان تنظیم‌گر رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر ایران مجوز فعالیت وی‌اودی‌ها را صادر می‌کند و از طریق معاونت فضای مجازی بر محتوای تولیدشده با وی‌اودی‌ها نظارت می‌کند و اداره کل تأمین و تولید تلویزیون تعاملی مجوزهایی را که برای تولید نیاز است، صادر می‌کند».

آن زمان این موضوع توسط بسیاری از هنرمندان و کارشناسان رسانه مطرح شد که اساس نظارت صداوسیما در این مدیوم زمانی منطقی به نظر می‌رسد که هزینه ساخت و تولید را نیز متقبل شود. از سوی دیگر، چگونگی نظارت سازمان صداوسیما بر روی تولیدات شبکه نمایش خانگی نیز نکته‌ای قابل بحث بود. برخی این گزینه را مطرح کردند که نظارت بر این تولیدات با متر و معیارهای تلویزیون باعث ضعیف‌شدن هسته‌های تولیدی شبکه نمایش خانگی می‌شود و شاید داتفه مخاطب شبکه نمایش خانگی به هم بریزد و به بیان دیگر مخاطب این مدیوم با این تغییر نگاه دچار سردرگمی شود و برخی دیگر گمان می‌کنند شاید در میان با نظارت دوگانه‌ای از سمت سازمان صداوسیما بر محتوای تولیدات شبکه نمایش خانگی مواجه شویم و سیاست و نظارت دیگری بر تولیدات شبکه نمایش خانگی اعمال شود. محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد، در

نشستی در دانشگاه الزهراء تهران اعلام کرد: «اینکه با صداوسیما درباره وضعیت شبکه نمایش خانگی دچار اختلاف‌نظرهایی باشیم، موضوعی طبیعی است، اما این اختلاف‌نظرها به این معنا نیست که بخش نظارت نمایش خانگی رها شده باشد بلکه این نظارت همچنان توسط «ساترا» صورت می‌گیرد. در حال حاضر با همیاری رئیس سازمان صداوسیما به عنوان برادر، دوست و همکار سابق در صداوسیما به دنبال حل‌وفصل مسائل مرتبط با شبکه نمایش خانگی هستیم و وزارت فرهنگ درباره نتایج این جلسات کاملاً تابع قوانین است.»

موضوع بحث‌برانگیز مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی

دو سال پیش، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای، وظیفه نظارت در حوزه سکوهای صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه را بر عهده سازمان صداوسیم‌ا گذاشت. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ای که با ریاست آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی برگزار شد، به بحث درباره سیاست‌ها و ضوابط حوزه صوت و تصویر فراگیر پرداخت و ماده‌واحد «تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر» را به تصویب رساند. بر اساس این ماده‌واحد، حیطه اختیارات و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی در این حوزه مشخص شد و برای فعالان بخش خصوصی به‌ویژه در پلتفرم‌های پخش صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی معین شد که در چه بخش‌هایی باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در چه بخش‌های دیگری باید از سازمان صداوسیما مجوز اخذ کنند. همچنین بند دیگری از این الزامات که اصول و سیاست‌های ساخت و پخش صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی را به شکلی دقیق‌تر مشخص می‌کند، به تصویب رسید. در این جلسه مقرر شد در حوزه سیاست‌ها و ضوابط ساخت و پخش صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی، مقررات لازم برای ساماندهی این عرصه با عنایت به سیاست‌ها و اصول تعیین‌شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، از سوی مسئولان مربوطه به شکل لایحه تهیه و برای تصویب به عنوان قانون به مجلس شورای اسلامی ارسال شود.»

انتشار این خبر برای بسیاری از هنرمندان به معنای پایان تولید سریال‌های درخرو و سرگرم‌کننده برای مخاطبان بود و برخی از فعالان این عرصه با به اشتراک گذاشتن مضامینی از این دست در صفحات شخصی، به آن واکنش نشان دادند. از سوی دیگر، در هیچ بندی از این مصوبه به ساترا اشاره نشده و همین موضوع توجه‌برانگیز بود. از سوی دیگر، بعد از جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعلام اخبار مربوط به تعیین تکلیف وضعیت نظارت بر شبکه نمایش خانگی، وزیر ارشاد و رئیس صداوسیما به صورت جداگانه در گفت‌وگوهای رسانه‌ای درباره این مصوبه اظهارنظر کردند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره مصوبه شورای عالی انقلاب تأکید کرد: «اخبار مثبتی بر اینکه مدیریت صوت و تصویر فضای مجازی به صداوسیما واگذار شده، غلط است و برخلاف آنچه گفته شده، عمده مسئولیت مربوط به صوت و تصویر فراگیر به وزارت ارشاد اعطا شده است». پیمان جبلی، رئیس صداوسیما نیز در گفت‌وگویی با تسنیم تأکید کرد: «برخی از سکوها و افراد با اشاره به اینکه مبنای قانونی تنظیم‌گر صداوسیما مشخص نیست، گاهی اوقات برخی هنجارها را رعایت نمی‌کردند؛ به‌ویژه هنگام گذراندن فرایندهای قانونی دریافت مجوزهای تولید و مخصوصاً انتشار. اما مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی جایگاه قانونی صداوسیما را تثبیت کرد که پیش از این بر اساس قانون اساسی وجود داشت. ساترا به نمایندگی از صداوسیما مسئول تنظیم‌گری در حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی است. مشخصاً در حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر بر‌محمور و ناش‌محمور، به‌ویژه نمایش خانگی، مسئولیت تنظیم‌گری و صدور مجوز تولید و انتشار بر عهده صداوسیماست.»

خانه سینما نیز در واکنش به این خبر در بیانیه‌ای اعلام کرد: «با اشاره به افزایش فشار روانی به هنرمندان و تأکید بر صدور مجوزهای متعدد و سانسورهای بیشتر آثار نمایش خانگی و سینمایی، تنها بحران‌های حوزه فرهنگ را پررنگ‌تر می‌کند و باعث خواهد شد شبکه‌های تلویزیونی خارج از ایران تقویت شوند، مهاجرت سینماگران و تولید فیلم‌های خارج از قاعده افزایش یابد، فرصت‌های اقتصادی سینمای ایران از میان برود، بی‌کاری و فشار اقتصادی هنرمندان افزایش یابد و در نهایت مخاطبان ناامید و ناراضی شوند.»

نگاهی به فعالیت شبکه نمایش خانگی به بهانه اظهار نظر اخیر وزیر ارشاد

اختلاف پایان‌ناپذیر مدعیان نظارت



بهناز شیرینبانی



تسهیلگری باتصدی‌گری؟

اردیبهشت سال گذشته، سرپرست اداره کل صدور مجوز و امور رسانه ساترا از تشکیل مجمع رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر ایران، «رصتا» خبر داد؛ مجمعی که به گفته حسین زارعی، سرپرست اداره کل صدور مجوز و امور رسانه ساترا، «نهاد صنفی تصمیم‌ساز در حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر است و از بین هشت عضو هیئت‌رئیس خود با سایر سکوها دارای مجوز از ساترا، اعضای دارای رای را برای حضور در ۱۶ شورای مشورتی ساترا مانند شورای صدور مجوز، تعیین مقررات، حمایت‌های محتوایی و… معین و معرفی می‌کند.

این مجمع در تحقق منافع عمومی جامعه در حوزه حاکمیتی و کاربران نقش عمده‌ای خواهد داشت و رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر با تشکیل این مجمع، هویت و نقشی تأثیرگذار پیدا می‌کنند». به زعم بسیاری از کارشناسان، چنین اقدامی از طرف ساترا تنها به‌منظور گسترده‌ترکردن زمینه فعالیتش است و توجیه قانونی ندارد. هرچند سعید مقیسه، رئیس سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی، معتقد است نقش «ساترا» در تشکیل مجمع صرفاً تسهیلگری است و نه تصدی‌گری.

محمدمهدی عسگریپور، دبیر انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئویی برخط نیز در سومین گردهمایی این انجمن اشاره‌ای کوتاه به وضعیت فعالیت وی‌اودی‌ها نسبت به سال قبل کرد و گفت: «این وضعیت به لحاظ دغدغه مهم تنظیم‌گری تغییری نکرده است و همچنان ناشنوایی و بدتر

در این زمینه وجود دارد. ما با اکوسیستمی مواجه هستیم که جای خالی تنظیم‌گر به شکل قانونی حس می‌شود. علی‌رغم اینکه ممکن است نهادی وجود داشته باشد که بخشی از حاکمیت است و به نوعی کار تنظیم‌گر را انجام می‌دهد، اما همه ما می‌دانیم واقعیت این موضوع چیست. اتفاقات و تصمیمات در این محدوده‌ها با ضرب و زور شدنی نیست و باید دارای منطق مشخص و پشتوانه قانونی باشد.»

او در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «از حدود سه سال قبل متن‌های زیادی نوشته شد که لزوم وجود وجه قانونی در زمینه تنظیم‌گر مورد تأکید قرار گرفت. جلسات زیادی در این زمینه تشکیل شده که یکی از آنها در مرکز پژوهش‌های مجلس بود. اما یکی از موارد عجیبی که در این زمینه با آن مواجه شدیم، این بود که در همان ابتدای کار همه بر سر یک تعریف می‌ماندند و آن «صوت و تصویر فراگیر» بود. هرچند خیلی‌ها فکر کردند کیمیايِ سحرآمیز دست‌خودشان است و البته وقتی تعریف را ارائه دادند، معلوم شد برداشت آنان نقایصی دارد.»

ارزایی و وضعیت اقتصاد حوزه نمایش خانگی

چندی قبل پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما، ضمن ارائه توضیحاتی درباره وضعیت نظارت ساترا بر محتوا و فرایندهای اقتصادی شبکه نمایش خانگی از پیگیری‌ها در زمینه جلوگیری از تخلفات احتمالی محتوایی در تولیدات سکوها به کمک آیین‌نامه‌ها و قوانین تکمیلی خبر داد و گفت: «ساترا در حال بررسی و ارزیابی وضعیت اقتصاد حوزه نمایش خانگی است.»

او تأکید کرد: «سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر علاوه بر وظیفه نظارت بر محتوای تولیدات نمایش خانگی، وظیفه تنظیم‌گری و نظارت بر فرایندهای اقتصادی این حوزه را نیز بر عهده دارد. با ریل‌گذاری قانونی درستی که انجام شده، سازمان صداوسیما از طریق ساترا موظف به نظارت بر محتوای صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی در حوزه نمایش خانگی است و فضای همکاری و تعامل نسبت‌خوبی بین تهیه‌کنندگان، سکوها و ساترا وجود دارد.»

اخبار برگزیده

زهراحتمی درگذشت



شرق: زهرا خوشکام بازیگر و همسر زنده‌یاد علی حاتمی روز گذشته جمعه ۲۸ اردیبهشت در ۷۷سالگی درگذشت. زهرا خوشکام ترجیح داد بعد از انقلاب او را زهرا حاتمی بنامند. زنی که زندگی‌اش را می‌توان به قبل و بعد از ازدواج با کارگردان شهیر ایرانی، علی حاتمی، تقسیم‌بندی کرد. خوشکام در دهه ۵۰ قدم به سینما گذاشت. «آدمک» ساخته خسرو هریتاش، «کلبه‌ای آن سوی رودخانه» به کارگردانی احمد شیرازی، «مرد هزار لیخند» ساخته سیامک یاسمی، «رشید» ساخته پرویز نوری، «الکلی» ساخته محمدهلی جعفری، «توبه» ساخته اسماعیل پورسعید، «تلی» ساخته رضا میرلوحی و «خواستگار» ساخته علی حاتمی ازجمله فیلم‌هایی بود که زهرا خوشکام در آنها ایفای نقش کرد. علی حاتمی قدم‌های تازه‌اش را در سینمای ایران برداشته بود که خبر ازدواجش با بازیگر زن مشهور آن زمان، زهرا خوشکام به خبر پرسروصداي محافل هنری تبدیل شد. علی حاتمی اعلام کرد که پس از این همسرش فقط در فیلم‌های خودش شرکت خواهد کرد. بااین‌حال خوشکام پس از ازدواج بازیگر پرکاری نبود و پیش از انقلاب تنها در نقش عزت‌الدوله همسر امریکبیر در مجموعه تلویزیونی «سلطان صاحبقران» به کارگردانی علی حاتمی ایفای نقش کرد.

زهرا خوشکام در سال‌های بعد از انقلاب با عنوان زهرا حاتمی به زندگی خود ادامه داد و بازی در برخی قسمت‌های مجموعه تلویزیونی «هزاردستان» از معدود بازی‌های او در سال‌های بعد از انقلاب بود. در این سریال او نقش آمینه اقدس، عروس نوزچشمی خان مظفر را ایفا کرد. بازی در فیلم «جهان‌پهلوان تختی» ساخته بهروز افخمی، دیگر فیلمی بود که زهرا حاتمی در آن حضوری افتخاری داشت و نقش کوتاهی را ایفا کرد. فیلم سینمایی «عشق ۲+» ساخته رضا کریمی، «سیمای زنی در دوردست»، به کارگردانی علی مصفا، «در دنیای تو ساعت چند است؟» به کارگردانی صفی زیدانیان، «شعله‌ور» به کارگردانی حمید نعمت‌الله و «طلاخون» ساخته ابراهیم شیبانی از دیگر نقش‌آفرینی‌های او در سینماست.

تارهای موی بتهوون معمای ناشنوایی او را آشکار می‌کند

فرید بریش: لودویگ فان بتهوون، آهنگ‌ساز آلمانی، اواخر دهه ۲۰ زندگیش با مشکلات شنوایی همراه بود؛ حقیقی که او را به‌شدت ناراحت و خجالت‌زده می‌کرد. با گذشت سال‌ها، شنوایی او بدتر شد و تا زمان مرگش در ۵۶سالگی در ۱۸۲۷، آهنگ‌ساز کاملاً ناشنوا شده بود. اما علت ناشنوایی بتهوون همیشه یک راز بوده است، به همراه آنبوه مشکلات سلامتی دیگری از جمله گرفتگی شکم که از آنها رنج می‌برد. اکنون، تقریباً ۲۰۰ سال پس از مرگ او محققان ممکن است سرانجام پاسخی برای چرایی وجود این عارضه‌ها داشته باشند. محققان این هفته در نامه‌ای به سردبیر مجله Clinical Chemistry گزارش دادند که تجزیه و تحلیل موهای بتهوون نشان‌دهنده سطح بالای سرب، آرسنیک و جیوه است. به تهنایی بعید است که فلزات سنگین او را کشته باشند، اما آنها توضیحی احتمالی برای برخی از علائم او ارائه می‌دهند.

محققان دور شسته‌موی معتبر از موهای بتهوون را آزمایش کردند؛ یکی به ازای هر گرم مو ۳۸۰ میکروگرم سرب داشت، درحالی‌که دیگری ۲۵۸ میکروگرم داشت. به‌طور معمول، سطح طبیعی سرب در یک گرم مو حدود چهار میکروگرم یا کمتر است. موهای او همچنین ۱۳ برابر سطح عادی آرسنیک و چهار برابر سطح عادی جیوه داشت. محققان در مقاله خود می‌نویسند که به‌ویژه مقدار زیاد سرب احتمالاً در مشکلات گوارشی و ناشنوایی او نقش داشته است. پل جانتیتو، آسیب‌شناس کلینیک مایو، همکار نویسنده این مطالعه، به جینا کولاتا از نیویورک‌تایمز می‌گوید: «این مقدار در بین موهایی که تا به امروز بررسی کردم بالاترین مقدار است. ما نمونه‌هایی از سراسر جهان دریافت می‌کنیم و مقداری که در این آزمایش به آن دست یافتیم به مراتب بیشتر است.»

^[1] محققان دور شسته‌موی معتبر از موهای بتهوون را آزمایش کردند؛ یکی به ازای هر گرم مو ۳۸۰ میکروگرم سرب داشت، درحالی‌که دیگری ۲۵۸ میکروگرم داشت

^[2] محققان این هفته در نامه‌ای به سردبیر مجله Clinical Chemistry گزارش دادند که تجزیه و تحلیل موهای بتهوون نشان‌دهنده سطح بالای سرب، آرسنیک و جیوه است